

## فعالیت‌های علمی تحقیقی هیأت علمی دانشکده الهیات

به منظور اطلاع خوانندگان مجله، بویژه دانشجویان دانشکده، با تحقیقات علمی و فعالیت‌های فرهنگی اعضای هیأت علمی دانشکده، در این بخش از مقالات و بررسیها به معرفی آنچه از این تحقیقات اخیراً (در سال تحصیلی ۷۶-۷۵) نشر یافته و به دفتر مجله یا کتابخانه دانشکده رسیده می‌پردازیم. افزون بر این، گزارشهای سفرهای تحقیقاتی، سمینارها و مصاحبه‌های علمی اعضای هم در این بخش نشر خواهد یافت و در صورت امکان کوشش خواهد شد تا برای مزید فایده و آشنائی دانشجویان با زندگی علمی و فرهنگی استادان محققشان گزارشی کوتاه از سوابق تحصیلی و علمی این استادان به این گزارشها بیفزاییم.

### معرفی چهار کتاب از تألیفات استاد دکتر آذرتاش آذرنوش

متولد ۱۳۱۶ در قم، دبیرستان در تهران، دانشکده ادبیات در عراق، لیسانس در رشته ادبیات عرب از دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران. پس از آن دو دکترا در پاریس گرفته: ۱- تحقیق و ترجمه بخشی از طبقات الشعراى ابن المعتز به فرانسه؛ ۲- چاپ نسخه خطی *خریده القصر عماد اصفهانی*، بخش اندلس و مغرب (که در تونس ۲-۱۹۷۱ در ۲ جلد چاپ شده) و از ۱۳۴۶ تاکنون استاد دانشکده الهیات دانشگاه تهران‌اند.

حدود ۱۵ کتاب تاکنون نوشته است. شاید پرهیاهوترین آنها آموزش زبان عربی است که از ۱۳۶۷ تاکنون ۷ یا ۸ بار چاپ شده (و بیش از ۶۰ هزار نسخه از آن به

فروش رفته). او خود و برخی از زبانشناسان و دانشجویان آنرا راه نجات زبان عربی از تنگناهای نحوی دانند، زیرا بر اساس اصول زبانشناسی عمومی، و مطابق با ساختار زبانهای هند و اروپائی تدوین شده؛ اما سنت گرایان آنرا برای میراث کهن زبان آوری دانند. زیرا بر این پندارند که دانشجویان با این کتاب و روش نمی‌توانند به توانایی لازم برای بهره‌گیری از متون کهن عربی دست یابند. علاوه بر این کتاب‌ها، او حدود ۳۰۰ مقاله تألیف کرده (سه چهار تا هم به عربی و فرانسه) که در مجلات و بیش از همه، در دائرة المعارف بزرگ اسلامی چاپ شده‌اند. برخی از این مقالات (مانند ابونواس، ابن مقفع با همکاری استاد مرحوم زریاب، ادب، اسب) بسیار گسترده و در حد کتابهای کوچکی هستند.

وی در آثار علمی و تحقیقی خویش می‌کوشد تا پژوهشهای ادبیات عربی را به جهتی خاص بکشانند، زیرا ملاحظه می‌کند که از مردم ایران در سه قرن و نیم اول اسلامی، علی‌الاطلاق هیچ چیز به زبان فارسی باقی نمانده، بنابراین برای بازیافتن هویت فرهنگی و اجتماعی ایرانیان آن روزگار، باید به منبع دست نخورده و ناشناخته ادبیات عرب (البته از جهت ایرانشناسی) روی آورد. و چون بخش عظیمی، بلکه مایه‌های اصلی آن ادبیات را مایه‌های فرهنگی - اجتماعی ایرانی تشکیل داده، لازم می‌آید که پژوهشگران ایرانی، در ادبیات کهن عرب، به چشم دیگری بنگرند و بازیابی هویت ایرانی را در آن، وظیفه‌ای ملی تلقی کنند.

در سال ۱۳۷۵، از این استاد الهیات ۴ کتاب منتشر شد. البته این حادثه، بدان معنی نیست که مؤلف در سال ۷۴ قلم بدست گرفته و در ۷۵ توانسته است ۴ کتاب به چاپخانه بفرستد. هر یک از این کتاب‌ها بین سه تا ۵ سال از عمر او را گرفته است. چنان که در معرفی کتابها بیان می‌شود:

۱ - راههای نفوذ فارسی در فرهنگ جاهلی عرب. چاپ دوم، انتشارات توس،

تهران، ۱۳۷۴ (انتشار در ۱۳۷۵)

حدود ۲۵ سال پیش، مؤلف به پژوهش درباره‌ی واژه‌های فارسی در شعر عرب (معربات) پرداخت. اما چون دریافت که کار، به سبب گستردگی بسیار، از محدوده‌ی یک کتاب و دو کتاب درمی‌گذرد، کوشید نخست معربات فارسی را در شعر دوره‌ی

جاهلی شناسائی و استخراج کند. کوشش‌های او در این باب، به نگارش چند مقاله و یک سخنرانی در کنگره جهانی خاورشناسان (پاریس ۱۹۵۴) منحصر ماند، زیرا او، با شگفتی ملاحظه می‌کرد که در زمینه روابط ایران و عرب، از دورانهای باستان تا زمان حال، مطلقاً هیچ کار جدی صورت نگرفته، و اصولاً جامعه فارسی زبان، از فرهنگ کهن عرب و تمدنهای ارجمندی که نیاکان دورتر اعراب داشته‌اند، تقریباً هیچ اطلاع ندارد و از عرب جاهلی، جز بیابانهای تفیده، بادیه نشین گرسنه و چند شتر و چند تک خرما بن پراکنده چیزی در ذهنش نقش نمی‌بندد. بهمین جهت وی، با استناد به منابع اروپائی و عربی، کتابی تألیف کرد که عملاً به دو بخش تقسیم می‌شد. ۱ - بخش اول عبارت بود از: معرفی دولت‌های خرد و کلانی که پیش از اسلام در عربستان وجود داشته، بحث درباره زبانهای سامی و پیدایش زبان عربی، و خلاصه بحث در باب خط‌های کهن سامی و منشعب شدن خط عربی از آنها؛ ۲ - بخش دوم، عبارت از مجموعه روایات کهنی است که به نحوی، رابطه ایرانیان را با عربان و یا تأثیر آنان را بر اینان باز می‌نماید. بدیهی است که این روابط تجاری، فرهنگی، لشکری و سیاسی لاجرم پدیده‌های زبانشناختی نیز به دنبال می‌آورد. همین امر است که کار مؤلف را در جای جای کتاب به بحث‌های ریشه‌شناسی در باب کلمات معرب می‌کشاند. اما مؤلف، همه کلمات معربی را که در شعر جاهلی عرب یافته بود، در این کتاب عرضه نکرد و آرزو داشت آنرا جلد اول کار تلقی کند و کتاب دیگری به معربات اختصاص دهد. این امید، کار او را به دانشگاه کمبریج و کلاسهای درس زبان آرامی نیز کشاند، ولی باز آن آرزو هیچگاه جامه عمل نپوشید و سرانجام مؤلف ترجیح داد مجموعه آن معربات را، با ذکر منابع به صورت واژه‌نامه فشرده‌ای در چاپ دوم بگنجانند. بنابراین چاپ دوم، نسبت به چاپ اول که در سال ۱۳۵۴ منتشر شد (انتشارات دانشگاه تهران) این تفاوت‌ها را دارد: علاوه بر تغییری اندک در عنوان کتاب، غلط‌های چاپ و غیر چاپی اصلاح شده، برخی منابع مفید که در فاصله دو چاپ منتشر شده، و نیز چند حاشیه لازم به آن افزوده گردیده، و خلاصه فصلی به نام «واژه‌های فارسی در شعر جاهلی عرب» در آن نهاده شده (ص ۱۲۲ تا ۱۴۵ کتاب).

۲ - تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، ترجمه‌های قرآنی، تهران، سروش، ۱۳۷۵ ش، ۳۲۷ ص، وزیری (شمیز)، ۵۰۰۰ نسخه، چاپ اوّل.

بحث ترجمه قرآن از مباحثی است که از آغازین سده‌های ظهور اسلام و نزول آیات الهی مطرح بوده است. چنانکه گفته‌اند، ترجمه قرآن کریم به فارسی یا برگردان برخی آیات قرآن توسط سلمان فارسی آغاز شده است و در طول اعصار و قرون متمادی دهها ترجمه کامل و ناقص از قرآن گرامی بر جای مانده است. بررسی دقیق تمامی این ترجمه‌ها و تأثیر آنها بر زبان و ادبیات فارسی کاری است کارستان. استاد آذرتاش آذرنوش از فارسی‌شناسان و فرهیخته‌گان معاصر ایران در بررسی تاریخ ترجمه از عربی به فارسی در اولین گام به این مهم پرداخته‌اند که در اینجا برای معرفی اجمالی این اثر ارزشمند، با ذکر پاره‌ای از آنچه در مقدمه کوتاه و بلند محتوای ایشان آمده، آغاز می‌کنیم.

«تدارک تاریخ ترجمه در زبانی به کهنسالی و ارجمندی فارسی که از یک سو ریشه در فرهنگ باستانی ایران دارد و از سوی دیگر به فرهنگ عظیم اسلامی درآمیخته، البته آسان نیست، به ویژه که بخش عظیمی از فرهنگ و ادب اسلامی آن را ترجمه - آن هم ترجمه از عربی - تشکیل داده است.» ص ۹.

در بخش دیگری آورده‌اند:

«ایرانیان، از آغاز شکل‌گیری زبان فارسی تاکنون دست‌اندرکار ترجمه قرآن بوده‌اند، به همین جهت تاریخ و سیر تطور ترجمه از فارسی به عربی، در هیچ جا به روشنی ترجمه‌های قرآنی نیست... ما خواسته‌ایم در کتاب خود، از انبوه این مدارک گرانبدر که به فضل قرآن فراهم آمده، بهره‌برداری کنیم و تاریخ تطور ترجمه را - نخست در ترجمه‌های قرآنی - باز نماییم.» ص ۱۰

و در جای دیگر با لطافت قلم، نوشته‌اند:

«ترجمه‌های فارسی قرآن، به جویباری می‌ماند که با رگه‌های شفاف و تابناک آب، در میان مرداب تیره و گل‌آلودی جاری است. این رگه‌های شفاف لغوی، اگر در مسیر فرهنگ کهن ترجمه قرار نمی‌داشت، لاجرم رنگ می‌باخت و ناپدید می‌شد.» ص ۱۱

در این اثر ارجمنند، استاد آذرنوش به بررسی ترجمه‌های بزرگ و مؤثر در زبان فارسی پرداخته‌اند و معتقدند که در زبان فارسی گنجینه بزرگی از واژگان و تعابیر داستانی نهفته است که به یمن فردوسی از قرن ۴ و ۵ هجری باقی مانده است و صدها بار بررسی شده است. اما زبان تعقل، خرد، دین و باورهای نیمه دینی، گویی هرگز در فارسی وجود نداشته و هیچگاه بررسی نشده است. نیز معتقدند که ترجمه‌های قرآنی و تفسیر، علی‌الخصوص کتاب ترجمه و تفسیر رسمی (که به غلط ترجمه تفسیر طبری پنداشته شده) همان گنجینه مهجور مانده‌ایست که از شاهنامه چیزی کم ندارد و باید به گونه گسترده مطالعه شود.

در این کتاب، زبان ترجمه‌های قرآن از آغاز (میانه قرن ۴) تا عصر صفوی بررسی شده و از این بررسی نکاتی بس شگفت کشف گردیده است که در این مجموعه عرضه شده است.

کتاب تاریخ ترجمه از عربی به فارسی در دو بخش سامان یافته است. این دو بخش بعد از پیشگفتار نویسنده محترم و کتابنامه و نشانه‌های اختصاری آمده است. در بخش نخست تحت عنوان: بررسی ترجمه‌های کهن قرآنی - تطور تاریخی (صص ۱۹-۲۵۰) در بیست و یک گفتار به بررسی ترجمه‌های کهن قرآنی پرداخته است و در گفتار دوم که دراز دامن‌ترین گفتار است به بررسی ترجمه تفسیر طبری پرداخته و نشان داده‌اند که بسیاری کتاب‌ها که ترجمه مستقل پنداشته شده، در واقع نسخه‌هایی از کتاب معروف به ترجمه طبری است. (صص ۲۵-۶۲)

در بخش دوم تحت عنوان: نمونه ترجمه از موارد خاص قرآنی و سنجش میان ترجمه‌ها (صص ۲۵۰-۳۲۷) به صورت خاص و با قیدهای متعدد مواردی را گزینش کرده و به مقایسه میان ترجمه‌ها پرداخته است. استاد آذرنوش در این بخش با دقت نظر نمونه‌هایی آورده‌اند و به مقایسه نزدیکی و دوری ترجمه‌ها با کهن‌ترین ترجمه قرآن کریم پرداخته‌اند.

این کتاب برای همه قرآن پژوهان، به ویژه علاقه‌مندان به بحث‌های ترجمه بسیار سودمند و کارآمد خواهد بود.

۳- اطلس تاریخ اسلام، تألیف حسین مؤنس، ترجمه آ. آذرنوش، به ویراستاری

مرحوم استاد زریاب خوئی، دکتر سید جعفر شهیدی، دکتر مجتهد شبستری، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران، ۱۳۷۵.

این کتاب عظیم که در قطع رحلی، شامل ۲۲۸ نقشه رنگی و مجموعاً دارای ۶۹۲+۲۵ صفحه با کاغذ گلاسه است، بی‌تردید بزرگترین اطلسی است که برای تاریخ اسلام عموماً، و کشورهای عربی خصوصاً فراهم آمده است. زیرا، اطلس‌های عربی و اروپائی دیگر (مانند اطلس مولر، یا جدیدتر از همه، اطلس کمبریج) به تعداد کمی نقشه (حدود ۴۰ تا ۵۰ نقشه) بسنده کرده‌اند و ناچار شده‌اند گاه چند دوره و چند منطقه را در یک نقشه عرضه کنند؛ گذشته از آن، هیچیک از آنها، بر خلاف اطلس حسین مؤنس، تاریخ توضیحی به همراه ندارند.

حسین مؤنس در مقدمه مفصل خود، شرح داده که چگونه سالیان درازی از عمر خود را بر سر این کار نهاده و چه سازمانها و چه اشخاصی او را یاری کرده‌اند. اما متأسفانه این کار، آن چنان که او آرزو داشت، به سامان نرسید، زیرا او که سخت کهنسال شده بود، کتاب را به دست ویراستاران و ناشران ناصالح سپرد و سرانجام کتابی حاصل آمد که آکنده از اغلاط گوناگون و پریشانی‌های بسیار است: انبوهی از نام‌ها به صورت ناصحیح ضبط شده‌اند، نامهای جغرافیایی در جاهای نادرست نشسته‌اند، بسیاری از سنوات مهم تاریخ تحریف شده‌اند، روایات تاریخی گاه به تعصب خشک درآمیخته، کلمات اروپائی غالباً به شکل‌های نامفهوم و شگفت درآمده‌اند...

این احوال البته کار را بر مترجم ایرانی سخت دشوار می‌کرد؛ وی کوشیده است تا سرحد امکان این ناروایی‌ها را از کتاب بزدايد و کتابی نسبتاً درست با نثری روان به خوانندگان ایرانی عرضه نماید. اما او خود در مقدمه کتاب اعتراف می‌کند که اصلاح همه اشتباهات احتمالی مؤلف، بخصوص در نقشه‌ها، سالیان دراز وقت می‌طلبد و او ناچار بوده است در موارد بسیار به کار مؤلف اعتماد کند.

چاپ نقشه‌ها از نظر فنی، بسیار دشوار و پیچیده بود و متخصصان سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، رنج چند ساله بر خود هموار کردند تا موفق به چاپ آن شدند. اینک کتاب که ریاست محترم جمهوری جناب آقای هاشمی رفسنجانی به

عنوان «اثری جاویدان» از آن یاد کرده‌اند، به شکلی بس فاخر، و وزنی سنگین (حدود ۵ کیلو) و بهائی سنگین‌تر (۵۰ هزار تومان) در معرض فروش قرار گرفته است. اطلس با مقدمه رئیس سازمان جغرافیایی مهندس مالمیریان آغاز می‌شود، با مقدمه مفصل مترجم دکتر آذرنوش (که معلوم نیست چرا نامش را روی جلد نگذاشته‌اند)، و سپس گفتاری از استاد دکتر سید جعفر شهیدی ادامه می‌یابد. پیش از اصل موضوع، تعدادی از زیباترین نقشه‌هایی که دانشمندان اسلام در قرنهای نخست هجری رسم کرده‌اند عرضه شده است.

۴ - کتاب موسیقی کبیر، تألیف فارابی، ترجمه آ. آذرنوش، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵.

«بدان که علوم حکمی چهار نوع است: اول ریاضیات... ریاضیات چهار نوع است: اول ارثماتیکی و آنچه به خاصیت عدد تعلق دارد؛ دوم هندسیات؛ سوم هیأت افلاک؛ و چهارم علم موسیقی. (مجمل الحکمه، ترجمه گونه‌ای از رسائل اخوان الصفا، ص ۳۳)

تقریباً در همان زمان که اخوان الصفا، علم را بدین گونه تقسیم می‌کردند، فارابی کتاب موسیقی کبیر را نگاشت. به عبارت دیگر، فارابی - اگرچه گویند در هنر نوازندگی پنجه‌ای سحرآمیز داشت - در این کتاب به پژوهشی فلسفی و تئوری دست زده نه کار عملی. بنابراین هیچگاه نباید پنداشت که می‌توان کتاب فارابی را به آسانی خواند و از آن، ملودی‌های هزار سال پیش را بیرون کشید و روی عود و بریط نواخت. بلکه به عکس، کتاب در این باب بکلی خاموش است. آنچه در درجه اول از این اثر پدیدار می‌شود، تعقل ریاضی - موسیقائی آن روزگار است. دانش گسترده فارابی که از سرچشمه‌های یونانی و گاه ایرانی کهن سیراب شده، اجرای موسیقی را به ما نمی‌آموزد، بلکه در فضائی فلسفی، ارزش ریاضی‌نت‌ها و فاصله‌ها، تارها و دستانهای آلات موسیقی، سازواری‌نت‌ها و پرده‌ها و انتقالات... و خلاصه اصول موسیقی تئوریک را تشریح می‌کند (نک مقدمه مترجم).

آ. آذرنوش، در سال ۱۳۵۵ کار ترجمه را - پس از ماهها پژوهش و آموزش در باب موسیقی کهن - آغاز کرد. کتاب در اواخر ۱۳۵۶ به چاپخانه رفت و ۱۶ صفحه

از آن چاپ شد. اما مسافرت یکساله مترجم کار چاپ را متوقف ساخت. عاقبت کتاب در آغاز دهه ۷۰ دوباره زیر چاپ رفت، ولی باز - شاید به دلایل فنی - انتشار نیافت. در ۱۳۷۴ مترجم را برای دیدن اوزالید کتاب دعوت کردند. اما او با نهایت تأسف ملاحظه کرد همه تصاویر کتاب را که او با رنج فراوان از نو کشیده به فارسی برگردانده بود، به کنار نهاده، تصاویر عربی را به نحوی ناپسند کلیشه کرده به جای آنها چاپ کرده‌اند. چون کار به هیچوجه قابل قبول نبود، کارمندان پژوهشگاه کمر همت بر بستند، تصاویر کتاب را که از ۲۵۰ تصویر درمی‌گذرد، همه را از نو رسم کردند و بگونه‌ای بس شایسته به چاپ رساندند. و عاقبت کتاب موسیقی کبیر، با مقدمه مترجم، شرح احوال فارابی از کارادو وو، و خلاصه فهرستی از واژگان موسیقی کهن با معادل اروپائی آنها در پایان کتاب، به چاپ رسید.

### فعالتهای علمی تحقیقی استاد دکتر نورالله کسائی

#### الف - شرکت در نشست‌ها و کنگره‌های علمی و فرهنگی

۱ - اردیبهشت ۱۳۷۵ خ. تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، مراسم بزرگداشت استاد زنده یاد دکتر محمد جواد مشکور، عنوان سخنرانی: استاد دکتر محمد جواد مشکور از دارالفنون تا دانشگاه.

۲ - اردیبهشت، خرداد ۱۳۷۵ خ، کیش، دانشگاه کیش، نخستین کنگره خلیج فارس در فرهنگ و ادب فارسی، عنوان مقاله و سخنرانی: بندر باستانی سیراف و دولتخانه کیش.

۳ - تیر ۱۳۷۵ خ. مشهد، کنگره بین المللی ادب و هنر در دوره تیموری، عنوان مقاله و سخنرانی: هرات از طاهریان تا تیموریان.

۴ - مهر ۱۳۷۵ خ، سنندج، کنگره فرزنانگان کرد، عنوان مقاله: استاد شیخ الاسلام کردستان و کرسی فقه شافعی در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.